

یارگیری: و ابرشیدن

رقابت: گروهی

وسیله بازی: يك چوبدستی به طول ۷۰ - ۸۰ سانتی متر و يك توپ دست ساز به اندازه توپ تنیس میدان بازی: زمینی بزرگتر از زمین فوتبال. در فاصله ۵۰ - ۴۰ متری بالای زمین به طرف وسط میدان نقطه‌ای را به نام دَرکه (darka) = دَگَه معین می‌شود.

نحوه بازی: بانویا اُویا پریاپیک جای گروهها در زمین تعیین می‌شود. گروهی که درست گفته در بالای زمین ری دُو (ri dō) قرار می‌گیرد؛ و گروه دیگر در پایین زمین، زِرْدُو (zer-e dō) پشت دَگَه به طور پراکنده قرار می‌گیرد.

افراد گروه بالای زمین هر يك در نوبت بازی خود توپ را حدود چند سانتی متر بالا می‌اندازد و با چوبدستی (مُته) به آن ضربه می‌زند، طوری که توپ از دکه گذشته و در قسمت پایین به زمین بیاید. در صورتی که زنده توپ نتواند تا سه ضربه توپ را به آن سوی زمین (پشت دکه) بفرستد، «حرام» می‌شود. این شخص باید در اولین فرصت که یاران دیگرش توپ را به پایین زمین می‌فرستند، با سرعت خود را به دکه برساند و برگردد؛ طوری که افراد گروه مقابل نتوانند با توپ او را بزنند. در صورتی که شخص به دکه رفته نتواند در همان فرصت برگردد و احتمال بدهد که او را با توپ می‌زنند، مجاز است که روی دکه بماند تا در نوبت دیگر که توپ به پایین زمین فرستاده می‌شود خود را با سرعت به بالای زمین برساند و به اصطلاح «حلال» شود. کسی که به این صورت حلال می‌شود حق دارد که يك نوبت دیگر نیز بازی کند.

این بازی تا زمانی که گروه بالای زمین «ری دو» نفر یا نفرات حلال داشته باشد می‌تواند ادامه یابد.

اما در چند صورت جای گروهها عوض می‌شود:

۱- در صورتی که همه افراد بالای زمین حرام شوند. و یاری برای حلال کردن آنها باقی نمانده باشد.

۲- در صورتی که توپ فرستاده شده توسط یاران گروه پایین زمین در هوا گرفته شود.

۳- در صورتی که فرد حرام شده در حال رفتن به دکه یا برگشتن از دکه توسط یاران پایین زمین با توپ زده شود.

ننه و بچه (naneô baça)

نوع بازی: گروهی - ورزشی

تعداد بازیکنان: نامحدود

پارگیری: ریغ شمار

رقابت: انفرادی

میدان بازی: میدان وسیعی که بتوان در آن به راحتی به جنگ و گریز پرداخت. در این بازی چند دکه در اطراف میدان در نظر می‌گیرند.

نحوه بازی: دو نفر از میان بقیه انتخاب می‌شوند. نفر اول را «بچه» و نفر دوم را «ننه» می‌نامند. بچه در وسط میدان می‌نشیند و ننه از وی محافظت می‌کند که دیگران او را نزنند. بازیکنان دیگر در اطراف آنها می‌چرخند و کاری می‌کنند که ننه را غافلگیر کنند و خود را به بچه برسانند و او را بزنند. ضربه‌هایی که فرد مهاجم به بچه وارد می‌کند محدود به ضربه‌های دست است که به پشت او می‌زند. شدت زدن بستگی به وجدان مهاجم دارد. در مقابل، «ننه» ضمن محافظت از «بچه» سعی در زدن یا گرفتن افراد مهاجم می‌کند. و آنها را تا «دکه» دنبال می‌کند. اگر فرد مهاجم خود را به دکه برساند در امان می‌ماند و گرنه از ننه ضربه می‌خورد. در این صورت بازی به پایان می‌رسد. در دور بعدی بازی فردی که ضربه خورده به جای «بچه» می‌نشیند، فردی که بچه بوده جای «ننه» را می‌گیرد و «ننه» به جمع مهاجمان می‌پیوندد.

هویزه و هویزه (haviza vo haviza)

نوع بازی: گروهی - مجلسی

تعداد بازیکنان: ۳ تا ۶ نفر

نحوه بازی: بازیکنان در دایره‌ای می‌نشینند و دستهای خود را مشت می‌کنند و بر روی یکدیگر می‌گذارند تا به شکل ستونی در آید. بزرگتر بازی که یکی از دستهایش زیر همه دستهاست، دست دیگرش را در حالی که باز کرده و به صورت دورانی روی ستون دستها می‌چرخاند، شعر زیر را می‌خواند.

(haviza vo haviza)

هویزه و هویزه

(kokâm rafta baviza)

کوکام رفته به ویزه

(ovorda morq̄-o jija)	آورده مرغ و جیجه
(jija farâr-r cerde)	جیجه فراری کرده
(dom-eš kolâli cerde)	دمش کلالی کرده

بعد از اتمام شعر، بالاترین دست را از روی ستون دستها بر می‌دارد و می‌بوسد. صاحب دست دستش را به پشتش می‌برد طوری که از دیده بازیکنان پنهان شود. بزرگتر بازی برای هر دست شعر فوق را می‌خواند و آن را می‌بوسد و از دور خارج می‌کند. همه دستها به این طریق به پشت صاحبانشان برده می‌شوند. بعد بزرگتر بازی از يك يك بچه‌ها می‌پرسد:

- کودست؟ (ku dass-et?) بازیکن = گلوش خا (golus xâ)

- کوگلو (گره) (ku golu) بازیکن = تو سِرا (tu serâ)

- کو سِرا (حیاط) (ku serâ) بازیکن = اوناها (unâhâ)

بازیکن برای اینکه «سِرا» (حیاط) را نشان دهد دستش را از پشت خود بیرون می‌آورد. بزرگتر بازی در حالی که او را خَنجُرُوك (xanjeruk) = قلقلک می‌دهد. مرتب می‌گوید:

په‌ای چی پِن (pa i tsiyen) په‌ای چی پِن...

از نفرات بعدی نیز به همین صورت می‌پرسد و هر نفر بنا به خواست خود جوابی می‌دهد. و بالاخره تا فرد آخر بازی به همین صورت ادامه می‌دهد و دست آخر بازی را در میان خنده و شادی بچه‌ها به پایان می‌برد.

نتیجه‌گیری

با همه تنوعی که در بازیهای سنتی هست، و با همه اصالتی که این بازیها در فرهنگ مردم هر منطقه از جمله دوان دارد، متأسفانه در یکی دو دهه اخیر از طرف جوانان و نوجوانان روستا مورد بی‌مهری قرار گرفته است. این بی‌توجهی به دلیل ورود ورزشهای بیگانه و غیر اصیلی است که جوانان را به خود مشغول کرده است.

در گذشته نه تنها بازیهای سنتی، بلکه همه امور يك روستا هماهنگ با نبض روستا بوجود می‌آمد، رشد می‌کرد و خود را در اذهان اهالی تثبیت می‌نمود. چرا که هر چیزی بنا به نیاز مستقیم زندگی و در ارتباط با امکانات محیط روستا شکل می‌گرفت.

در روستاها در هر موسمی نوع خاصی از بازیها انجام می‌شد. در طول شبانه روز نیز بازی شبانه با بازیهای روزانه تفاوت داشت. در صورتی که بچه‌ها در میدان بودند، بازیهای میدانی انجام می‌گرفت و در صورتی که در جای بسته بودند بازیهای مجلسی. به عبارت دیگر هر جایی و هر زمانی بازی خاص خود را داشت.

علم ارتباطات راه بسته روستاها را به روی مردم گشوده و آمد و شدها به روستا مکرر شده است. فرهنگ جاذب شهر که عامل مؤثری در تغییر افکار روستاییان است، بر فرهنگ روستا احاطه پیدا کرده و آن را تحت تأثیر قرار داده است.

امروزه تب بازیها و ورزشهایی چون فوتبال و والیبال، که امکانات آن از مدارس تأمین می‌شود، در میان جوانان بسیار داغ است. رقابت در این بازیها بر عکس بازیهای سنتی از محدوده روستا گذشته و به شهر و شهرستان و... می‌رسد. به همین مناسبت است که جوانان يك روستا در خارج از روستای خود مطرح می‌شوند و خلق و خوی جوانی به آنها اجازه فعالیت در چنین مجامعی را به نحو شایانی می‌دهد.

به هر تقدیر برای روستایی، شرایط جامعه امروز اقتضاء می‌کند که به هر دستاویزی متوسل شود، تا خود را با مسائل شهر سازگار سازد. این امر خود آگاه یا ناخود آگاه باعث می‌شود که از قید و بند روستا بریده شود و به آداب نو آراسته گردد. و در نتیجه فرهنگ خویش را با پذیرش فرهنگ شهری به دست فراموشی سپارد.

فصل دوازدهم

تأسیسات زیر بنایی عمرانی و خدماتی

مقدمه

روستا همواره يك واحد اجتماعی - اقتصادی است که در طول تاریخ به علل مختلف کم و بیش خودگردان، خود معیشت و تا حد نسبتاً بالایی خودکفا بوده است. از این رو هر جا که انجام امور از عهده يك فرد یا يك خانواده و حتی يك طایفه خارج بوده از نیروی جمع با نظامهای خاصی به صورت همیاری استفاده می شده است؛ متهمی در هر مورد با قرارداد و روشهای خاص خود. به عبارت دیگر در يك روستا تنوع نیازها باعث ترکیب انواع قراردادها در چارچوب تعاون بوده است. روستای دوان جزء آن دسته از روستاهایی است که پیوسته در طول تاریخ خود در چارچوب تعاون و همیاری حداکثر استفاده را از کمترین امکانات موجود برده است.

در دوان تا قبل از مهاجرت دوانی ها به خارج از دوان تعاون و همیاری در زمینه های مختلف تولیدی، خدماتی و آداب و رسوم وجود داشته است، اما با مهاجرت تعدادی از دوانی ها و ارتباط محیط اجتماعی - اقتصادی دوان با يك شبکه وسیعتر مهاجران دوانی، شکل تعاون و همیاری اجتماعی فرق کرده است. به عبارت دیگر تعاون امروزه در دوان بین دوانی های ساکن در دوان و دوانی های مهاجر است که این شکل تعاون در کمتر روستایی دیده می شود. به علت اینکه معمولاً در اثر مهاجرت ارتباط مهاجران با مبدأ قطع می گردد. ارتباط نزدیک مهاجران دوانی (که معمولاً از وضع مالی نسبتاً خوبی هم برخوردارند) با اهالی ساکن دوان باعث شده که به لحاظ مالی کمکهای شایانی به آنها بشود، اما از آنجایی که تقریباً همه دوانی های مهاجر به بقاء روستای خود

دلبستگی دارند، لذا آن دسته از مهاجرانی که کمکهای نقدی هم نمی‌توانند بنمایند از طریق کمکهای عملی در این شبکه تعاونی شرکت می‌کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کمکها یا به عبارت دیگر شرکت در تعاون و همیاری کاملاً داوطلبانه است. مشارکت در تعاون در دوان یا به طور رسمی است یا غیر رسمی. به عبارت دیگر، دوانی‌ها یا تشکیل تعاونی‌های رسمی با اساسنامه داده‌اند که در نتیجه افراد به طور رسمی در آنها عضویت پیدا می‌کنند، یا جهت انجام اموری به طور غیر رسمی در یک چارچوب به همکاری می‌پردازند و در عین حالی که تشکیلات رسمی وجود ندارد، به هر جهت سازماندهی قوی در انجام کارها وجود دارد.

مسئله‌ای که در رابطه با تعاون و همیاری در بین دوانی‌ها مطرح است این است که در نهایت تعاون، بعضی مواقع اختلافاتی بوجود می‌آید که اگر چه باعث تأخیر در پیشبرد کارها می‌گردد نهایتاً باعث ایجاد استحکام در تعاون گروهی و ارتقاء انجام امور یا به عبارت دیگر عامل توسعه بیشتر گردیده است. یکی از خصوصیات بی نظیر تعاون در دوان این است که مشارکت دولت در کارها را پذیرفته و دوانی‌ها از کمکهایی که دولت در اختیار آنها می‌گذارد به بهترین وجه استفاده می‌نمایند.

هدف این فصل بررسی کاربرد تعاون در ایجاد تأسیسات زیربنایی خدماتی و عمرانی در دوان است. برای این منظور ابتدا انواع تعاونی‌های عمرانی که در رابطه با دوان تشکیل شده بررسی می‌گردد تا رابطه مهاجران با ساکنان دوان در امر همکاری در توسعه و عمران روستای دوان مشخص شود. سپس کارهای عمرانی و خدماتی انجام شده در دوان را بررسی می‌کنیم تا چگونگی پیاده شدن طرحهای عمرانی در اثر خودیاری مردم و کمکهای دولتی مشخص گردد. در این فصل آن دسته تأسیساتی را بررسی می‌کنیم که در فصلهای قبل بررسی نشده است (آب - انبارها، آب لوله کشی، جاده پست و مخابرات، بهداشتی، برق و قبرستان و غسلخانه) نتیجتاً تأسیساتی همچون مدرسه و... (که قبلاً بررسی شده) را در این فصل بررسی نخواهیم کرد. مطالب این فصل می‌تواند راهنمایی جهت توسعه روستاها بر اثر همیاری بین ساکنان روستا و مهاجران روستایی باشد.

جمعیت نیکوکاران دوانی

از آنجایی که تعداد دوانی‌های مقیم آبادان چشمگیر بوده و همگی علاقه زیادی به زادگاه خود دارند، در بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۲۸ اولین جلسه عمومی دوانی‌های مقیم آبادان جهت تأسیس «جمعیت نیکوکاران دوانی» تشکیل گردید.^۱ به همین منظور در تاریخ یازدهم اسفند ماه ۱۳۲۸ جلسه مقدماتی طرح انتخاباتی جمعیت نیکوکاران دوانی تشکیل شد تا خط مشی انتخاباتی معین شود.^۲ به دنبال این جلسه، در تاریخ دوازدهم اسفند ماه همان سال اولین مجمع عمومی دوانی‌های مقیم آبادان تشکیل گردید و هیأت مدیره جمعیت نیکوکاران دوانی انتخاب شد. هیأت مدیره اقدام به تنظیم طرح‌های عمرانی کرد و اولین طرح خود را در مورد احداث چاه آب آشامیدنی مطرح نمود.

در اول تیرماه ۱۳۲۹، مجمع عمومی دوم تشکیل و انتخاب اعضای هیأت مدیره جدید جمعیت انجام گردید.^۳ هیأت مدیره جدید نیز طرح‌های عمرانی جدیدی را عرضه کرد اما اعضای جمعیت نیکوکاران دوانی موفق به انجام کارهای عمرانی مؤثری نگردیدند و این جمعیت پس از انجام يك دسته کارهای جزئی، پس از چند سال منحل شد.

جمعیت عمران و آبادی دوان

عدم موفقیت در فعالیتهای ۱۲ ساله جمعیت نیکوکاران دوانی باعث شد که عده‌ای دوانی را به فکر و چاه وادارد. عده‌ای از دوانی‌ها در روز شانزدهم تیر ماه ۱۳۴۰ در حسینیه دوانی‌های مقیم آبادان اجتماع کردند تا «جمعیت عمران و آبادی دوان» را تأسیس نمایند.

اهداف جمعیت عمران و آبادی دوان به شرح زیر بوده است:

- ۱- کوشش برای تهیه آب آشامیدنی اهالی دوان به وسیله حفر چاه عمیق و غیره.
- ۲- بالا بردن سطح بهداشت عمومی اهالی دوان به وسیله ایجاد در مانگه‌ها، کارخانه برق و غیره.
- ۳- احیاء هنرهای دستی کوچک بخصوص در طبقه بانوان به منظور تأمین رفاه بیشتر خانواده‌های مقیم دوان.

(۲) همانجا.

(۱) صندوق تعاون دوانی‌ها، ۱۳۵۴: ۶.

(۳) همانجا.

- ۴- آماده ساختن اهالی دوان برای تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی.
- ۵- تشویق کشاورزان دوان به مبارزه با آفات نباتی و استفاده بیشتر از وسایل موجود برای افزایش محصولات کشاورزی.
- ۶- کمک به رفع اختلافات زمینهای مشاع اهالی دوان و به ثبت رساندن آنها به وسیله تشکیل کمیسیونهای حل اختلاف.
- ۷- تشویق دوانی‌ها به تشکیل شرکتهای کشاورزی به منظور آباد ساختن و استفاده بیشتر از زمینهای خود.
- ۸- اقدام برای ایجاد مدرسه دخترانه در دوان.
- ۹- کمک به پیشرفت بیشتر فرزندان اعضاء در بالا بردن سطح معلومات آنها به وسیله تشکیل کلاسهای خصوصی در فصل تعطیلات.^۱
- مرکز جمعیت در شهر آبادان و شعب آن در دوان، کازرون و شیراز قرار داشت. هر فرد دوانی می‌توانست عضو جمعیت شود و حق عضویت ماهیانه پنجاه ریال بوده است. امور جمعیت توسط هیأت مدیره‌ای که از یک رئیس، یک خزانه دار و ده عضو دیگر تشکیل می‌شد، اداره می‌گردید. پس از تصویب اساسنامه و انتخاب اعضاء هیأت مدیره، جمعیت طی پروانه شماره ۱۰۱۳ مورخه ۱۳۴۴/۱/۲۹ در شهربانی آبادان به ثبت رسید.
- پس از انتخاب هیأت مدیره، جمعیت جهت جمع‌آوری حق عضویت و کمکهای مالی اقدام نمود که در فاصله‌ای کوتاه توانست «کارت همت عالی» جمعیت را بین ۲۰۸ دوانی ساکن در آبادان توزیع نماید و کمکهایی جمع‌آوری کند.
- به هیأت مدیره اختیارات زیر برای انجام هدفهای جمعیت داده شده بود:
- الف- گفتگو با مقامات صلاحیتدار دولتی و بنگاههای خصوصی به منظور جلب کمک مادی و فنی جهت حفر چاه عمیق و سایر کارهایی که در اهداف به آن اشاره شد.
- ب- خرید وسایل و استخدام افراد مطلع (در صورت لزوم) و بستن قراردادهای لازم در حدود توانایی مالی جمعیت برای اجرای هدفهای جمعیت، و ج- دعوت افراد به عنوان مشاور

غیر مسئول.^۱

در ابتدا جمعیت قادر بود که اقداماتی در جهت رفاه اجتماعی اهالی دوان بر دارد. ابتدا مکاتباتی با فرماندار کازرون، استاندار فارس و تلگرافی به وزیر مشاور بعمل آمد که طی آن خواسته شد تا در چند مورد عمرانی به روستای دوان از طریق جمعیت کمک نمایند. استانداری فارس به جمعیت اطلاع می داد که اداره عمران فارس فقط در مورد لوله کشی آب آشامیدنی می تواند کمک نماید. به همین منظور با بنگاه مستقل آبیاری فارس مکاتباتی صورت گرفت. متخصص آبهای زیرزمینی آن بنگاه به هزینه جمعیت و به اتفاق مشاور آمریکایی آن اداره و عده دیگری از دوانی های مقیم شیراز و کازرون به دوان رفته و با همکاری سرپرست وقت دوان و عده زیادی از اهالی دوان تمام اطراف محل را مورد بررسی قرار داده و گزارش رسمی به جمعیت ارسال داشتند.^۲

اما به طور کلی گامی مؤثر در جهت انجام طرحهای بیان شده در اهداف جمعیت برداشته نشد، لذا تدریجاً اعضاء از مؤثر بودن جمعیت در امر عمران و آبادی دوان سرد شدند و طی يك دوره تدریجی از شرکت در جلسات جمعیت و پرداخت حق عضویت شانه خالی کردند تا اینکه پس از مدتی جمعیت ضعیف شد و از هم پاشید.

صندوق تعاون دوانی های مقیم مرکز

باگذشت یازده سال از تأسیس جمعیت عمران و آبادی دوان و عدم موفقیت آن جمعیت در ارائه خدمات ارزنده به دوان و دوانی ها، در سال ۱۳۵۱ عده دیگری از دوانی های ساکن تهران به منظور ایجاد تعلیمات تعاونی و پرورش روح اجتماعی و همبستگی بین دوانیان از يك طرف و رفع گرفتاریهای معنوی و مادی اعضاء تاحد امکان، از طرف دیگر اقدام به تأسیس صندوق تعاون دوانی های مقیم مرکز کردند.

صندوق تعاون دوانی های مقیم مرکز عملاً در خرداد ماه ۱۳۵۱ تأسیس شد و بلافاصله اساسنامه خود را تنظیم نمود. بر اساس اساسنامه مزبور هر فرد دوانی که برگه در خواست

عضویت را امضاء و مفاد اساسنامه را نپذیرید و تقبل نمایند که ماهانه حداقل يك سهم حق عضویت صندوق (۲۰۰ ریال) را بپردازد به عضویت صندوق پذیرفته و دفترچه عضویت دریافت خواهد کرد.^۱ در ابتدای تشکیل صندوق ۲۲ نفر عضو صندوق شدند که بر طبق اساسنامه ۵ نفر به عنوان هیأت مدیره انتخاب شدند و ۲ نفر را نیز به عنوان بازرس برگزیدند.

یکی از اهداف اصلی صندوق ارائه وام به اعضاء بوده است و فقط به اعضایی که حداقل شش ماه حق عضویت پرداخته بود وام تعلق می گرفت. صندوق تا دو سوم موجودی خود می توانست به اعضاء وام دهد و وام گیرنده می توانست تا سه برابر سهام خود از صندوق وام بگیرد. بهره وام پنج درصد در سال بود.

پس از يك سال که از تأسیس صندوق تعاون گذشت تعداد اعضای صندوق به ۱۲۳ نفر بالغ گردید که این تعداد از اقصی نقاط کشور و حتی دوانی های خارج از کشور نیز بودند. از خرداد ماه ۱۳۵۱ تا اسفند ماه ۱۳۵۳ اعضاء، مرتباً حق عضویت خود را به صندوق پرداخت می کردند. صندوق در این مدت وامهایی نیز عرضه نمود اما عملاً هیچگاه به اهداف خود نرسید.

از آنجا که صندوق نتوانست تعاون بین دوانی های مهاجر را به امر تعاون در دوان پیوند دهد، پس از چندی کارکرد آن برای اعضاء امری بسیار ساده و پیش پا افتاده شد بخصوص که در آن ایام وجود انواع بانکهای خصوصی، فعالیت چنین صندوقهایی را تحت الشعاع قرار می داد. صندوق مزبور پس از چند سال فعالیت با پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت خود خاتمه داد.

شرکت تعاونی دوان

با پیروزی انقلاب اسلامی، دوانی ها مجدداً در اندیشه تشکیل يك شرکت تعاونی برای روستای خود شدند.

در سال ۱۳۵۹ طرح مقدماتی برای ایجاد شرکت تعاونی تدوین و تکثیر و برای اظهار نظر بین دوانی ها (هم ساکن در دوان و هم مهاجر) توزیع گردید. بر اساس طرح مقدماتی، شرکت تعاونی

دوان برای انجام کارهای زیر می‌خواست تشکیل شود: ۱- احیاء زمین‌های دوان برای کشاورزی دیم و آبی؛ ۲- ایجاد باغهای میوه از قبیل انگور، انجیر، گردو، زیتون، مرکبات و غیره؛ ۳- احداث کارخانه‌های بسته‌بندی، کمپوت سازی، آب میوه و سایر محصولات؛ ۴- ایجاد تأسیسات برای آبرسانی کشاورزی از قبیل حفر چاه عمیق، کانال کشی، مخازن آب و غیره؛ ۵- توسعه دامپروری و مرغداری، و ۶- عمران دوان به طوری که تمام تسهیلات زندگی در آنجا بوجود بیاید و دوانی‌هایی که مایلند بتوانند برای کار کردن در تعاونی و گسترش فعالیتهای آن با خانواده خود به دوان برگردند.^۱

دوانی‌هایی که در اندیشه تشکیل این شرکت بودند، برای رسیدن به هدفهای فوق‌الذکر می‌خواستند به ترتیب زیر عمل کنند:

۱- از زمینهای بایر یعنی زمینهایی که روی آنها کشاورزی انجام نمی‌شد و دوانی‌های مقیم دوان هیچ برنامه‌ای برای استفاده از آنها نداشتند استفاده شود.

۲- هر دوانی حداقل يك سهم دو هزار تومانی شرکت را خریداری نماید.

۳- شرکت زیر نظر شورایی متشکل از نمایندگان هر طایفه اداره شود.

۴- يك هیأت مدیره جهت انجام کارهای اجرایی تعیین گردد.^۲

پرسشنامه اظهار نظر در مورد شرکت تعاونی دوان به دست دوانی‌ها رسید، اما عملاً با شروع جنگ تحمیلی دست اندرکاران تعاونی جدید دوان جواب کافی از طرف دوانی‌ها در رابطه با این موضوع بدست نیاوردند و به عبارت دیگر از این امر استقبال نکردند.

مطالعه تعاونی‌ها و جمعیت‌های مختلفی که برای توسعه دوان و دوانی‌ها بوجود آمده نشان می‌دهد که هرگاه کوششی برای ایجاد يك تعاونی رسمی شده، در چارچوب ایجاد تعاونی موفقیت حاصل گردیده، اما به مرحله کارکرد تعاونی که رسیده، پیشرفتی بدست نیامده است. از طرف دیگر بررسی فعالیتهای عمرانی و خدماتی در دوان نشان می‌دهد که دوان جزء روستاهایی است که بیشترین تأسیسات زیربنایی را در اثر همکاری و همیاری مردم دارد. مسأله‌ای که در اینجا مشخص است این است که تعاون و همکاری غیر رسمی در دوان کاربرد بیشتری دارد و

افراد با تشکیل گروه‌های همیاری و کمک‌های زیاد توانسته‌اند در کارهای عمرانی و خدماتی پیشرفت شایانی داشته باشند و اینچنین پیشرفتی نیاز به يك مؤسسه رسمی با تشکیلات سازمانی ندارد. نمونه‌هایی از این تعاون غیر رسمی در ارتباط با تعدادی تأسیسات ایجاد شده در دوان بررسی می‌شود.

آب انبارهای دوان

از آنجایی که دوان يك منطقه کم آب است و زمینهای زراعی وسیع و تاکستانهای متعددی دارد که فاصله محل کار را از روستا زیاد کرده‌اند؛ لذا دوانی‌ها هنگامی که در باغهای دور دست و در زمینهای زراعی بسر می‌برند، برای چهارپایان خود و سایر احتیاجات نیاز به آب دارند. از طرف دیگر چون گله‌های خود را در اطراف به چرا می‌برند، نیاز است که در مکانهای با فاصله زیاد از چشمه‌های موجود، آبی برای بز و گوسفندان مهیا باشد تا از میدان وسیع تری برای چرای دام استفاده کنند. چاره را دوانی‌ها در ساختن آب انبار در مناطق مختلف دیده‌اند. احداث آب انبار در منطقه دوان از لحاظ مالی و از لحاظ عملی از عهده يك نفر بر نمی‌آید لذا در این زمینه يك همیاری صورت گرفته است. تمام آب انبارهای موجود در این منطقه بر همین اساس بوجود آمده چه آنهایی که کمک‌های مالی چندین نفر در احداثشان بکار گرفته شده و چه آنهایی که صرفاً يك نفر مخارج آن را به عهده گرفته است. در هر دو صورت برای ساختن، نیاز به يك همیاری اجتماعی بوده و افراد مختلف در مراحل ساختمانی به شکل‌های متفاوتی مشارکت داشته‌اند.

بر اساس بررسی‌های میدانی و محلی، تعداد ۳۲ آب انبار در منطقه دوان موجود است که تعدادی از آنها بسیار قدیمی و تعدادی جدید است، تعدادی امروزه معمور و تعدادی مخروبه و غیر قابل استفاده است، تعداد زیادی رو باز و تعدادی طاقدار است، و بالاخره تعدادی از سنگ و گچ و تعدادی از سنگ و گچ و ساروج با دقت بیشتری ساخته شده‌اند. بعضی از این آب انبارها، بارها و بارها تعمیر و لاروبی شده‌اند، در حالی که تعدادی از آنها سالیان دراز است که به حال خود رها شده و دیگر با وضع کنونی‌شان غیر قابل استفاده هستند. اسامی و محل تعدادی از آب انبارهای معمور روستا به شرح زیر است:

- ۱- آب انبار ملامصطفی در پایین دوان جنب قبر آقا سید هاشم.
- ۲- آب انبار گاهار (gâhâr) بالا واقع در سرکوه.
- ۳- آب انبار خَنِمَك (xanemek).
- ۴- آب انبار هُنِّي دَ لِزُو (hane-y da: lezu).
- ۵- آب انبار پُندُمُو (pogomu) واقع در تنگ دوان.
- ۶- آب انبار بَرِدَاسِپ (bard-e asp) که در ۲۰۰ متری شمال آب انبار تنگ در زمینهای زراعی طایفه باپیر قرار دارد.
- ۷- آب انبار تنگ بَرِي (bari).
- ۸- آب انبار بَرَد و شِر (bard-o še:r) به موازات آب انبار قدیمی در زیر تنگ دوان.
- ۹- آب انبار زیر بَرِي رَزَ دَار (bari ra:dâr).
- ۱۰- آب انبار پَرَتِي بَازَار (bera:te-y bâzâr) معروف به آب انبار حاج علی.
- ۱۱- آب انبار کربلائی عباس واقع در رَزَك (le:rak) پایین.
- ۱۲- آب انبار بَرِي رَزَك (bari le:rak) واقع در زمین زراعی دهداران.
- ۱۳- آب انبار تُل دراز واقع در زمینهای زراعی جمالو.
- ۱۴- آب انبار گَچِي (gatsi).
- ۱۵- آب انبار تنگ زَنَدُو (tang-e zendu).
- ۱۶- در منطقه دشتکوه ده عدد آب انبار وجود دارد که در زمینهای زراعی دهداران، ملاها و فقها است.

يك بررسی اجمالی از آب انبارهای دوان نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از آنها مخروبه هستند و دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

یکی از علل عمده مخروبه شدن آب انبارها کاهش فعالیت کشاورزی در منطقه است. از طرف دیگر دآمداری اهمیت خود را از دست داده است. لذا در نظر دوانی‌ها دیگر نیازی به این آب انبارها نیست. تعدادی از آب انبارها بازسازی، تعدادی دیگر تعمیر و نگهداری می‌گردد. مطلبی را که باید بیان کرد این است که اگر روزی دوانی‌ها مرحله جدیدی را در کشت و زرع منطقه شروع نمایند، بدون شك باز هم به این آب انبارها نیاز خواهد بود.

آب آشامیدنی دوان

همچنان که زمینهای زراعی دوان تاریخچه‌ای طولانی از مبارزات ارضی را با خود دارد، مسأله آب آشامیدنی همیشه فکر دوانی‌ها را به خود مشغول کرده و تاریخچه‌ای از مسائل را بوجود آورده است. روستای دوان نیز چون دیگر نقاط کوهستانی جنوب با مشکل کم آبی روبروست و در گذشته‌ای نه چندان دور آب مورد نیاز اهالی از چهار چشمه (بیل پتیه، بیل غنی، بریای بار و بریای دو من) نسبتاً نزدیک به روستا تأمین می‌شده است. مردم آب را در مشک کرده یا بر پشت خود و یا بر چهارپایان می‌گذاشتند و به روستا می‌بردند. این عمل بسیار مشکل بود و در ایام کم آبی مردم با زحمت آب روزانه خود را تهیه می‌کردند. چشمه‌ها کفاف برداشت روزانه را نمی‌دادند لذا مردم مجبور بودند که شب و نصف شب بر سر چشمه روند که این امر مخصوصاً برای بعضی از زنها که مسئول آوردن آب از چشمه بودند ایجاد خطر می‌نمود. برداشتن آب نوبتی بود و در آن واحد بیشتر از یک نفر نمی‌توانست از چشمه آب بردارد. از این جهت مدت‌ها طول می‌کشید تا نوبت به هر نفر برسد و چشمه‌ها همیشه شلوغ بود.

این شیوه آب آوردن و کمبود آب دوانی‌های ساکن در دوان و دوانی‌های مهاجر را از دیرباز بر این داشته بود تا اقدامی جهت تأمین آب بنمایند. شاید می‌توان گفت سومین مسأله مهم، بعد از زمین و مهاجرت برای کار، در دوان مسأله تأمین آب آشامیدنی بوده است. اولین اقدام برای آبرسانی در محلی معروف به پَر کرِوَك (par-e karvek) با حفر چاه شروع شد که به علت عدم آشنایی فنی و زمین‌شناسی، چاه مزبور آبی نشد. دومین اقدام در چارچوب جمعیت نیکوکاران دوانی در کُئَل شِیخون (ko:l-e še:xun) انجام شد. که پس از بررسی تشخیص داده شده باید چاره را در کُئَل شَمَسَا (ko:l-e šamsâ) حفر نمایند اما این پروژه هم به عللی متوقف شد.

از یک طرف دوانی‌ها از آبی شدن چاهها ناامید شده بودند و علت اساسی آن هم این بود که چاهها را بر بالای دوان در کوهپایه می‌زدند تا به خیال خود آب بر دوان مشرف باشد و لوله کشی امکان‌پذیر باشد، از طرف دیگر «اصل چهار» ترومن رئیس جمهور آمریکا در ایران مطرح شده بود و به همه روستاها سرایت می‌کرد. دوان نیز به عنوان یکی از روستاها در چارچوب این طرح انتخاب شد و اولین پروژه آن آبرسانی بود. اما این بار طرح به صورتی دیگر مطرح و اجرا شد. از

آنجایی که آب چشمه بِل یَسه نزدیک به روستا و از طرف دیگر مشرف بر دوان است، تصمیم بر این شد تا آب را از طریق لوله کشی به دو محل بالا و پایین ببرند و در دو منبع یکی در جوار بقعه شاه سلیمان و دیگری در جوار بقعه شیخ عالی نصب نمایند و هر منبع دارای سه شیر عمومی باشد. در هنگام پیاده شدن طرح، تنها یک منبع ۸۰۰۰ لیتری در کنار بقعه شاه سلیمان نصب گردید و پروژه به بهره‌برداری رسید. از این پس تأسیسات آب برای مدت یک هفته دایر بود که ناگهان شبانه کل تأسیسات با یک عملیات تخریبی از هم پاشیده شد. و همزمان با آن به فعالیت «اصل چهار» در دوان خاتمه داده شد.

تا سال ۱۳۵۴ بحث‌های فراوانی در مورد چگونگی اجرای یک پروژه آبرسانی در بین دوانیان شد که در چارچوب‌های مختلفی (نظریات شخصی، طرح‌های تعاونی، طرح‌های دولتی و...) انجام می‌گرفت. بالاخره در این سال کدخدای دوان و نماینده بخش حومه در انجمن شهرستان کازرون طرحی پیشنهاد کرد و به تصویب رساند. در این طرح مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال و سپس در سال ۱۳۵۵ مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰ ریال جهت اعتبار طرح اختصاص دادند. در آن سالها پروژه‌های آبرسانی روستایی در دست اداره تعاون و امور روستاها بود و معمولاً از طرف هر روستا شخصی جهت پیگیری مسائل معین می‌شد.

در سال ۱۳۵۷ پروژه آبرسانی روستای دوان به «اداره بهداشت محیط استان فارس» تحویل داده شد. از همان سال طراحی، نقشه برداری و اقدامات اولیه جهت اجرای پروژه مهیا گردید. ابتدا یک چاه در تنگ دوان حفر شد که به آب نرسید در نتیجه طرح دوباره معلق ماند.

در اینجا دوانی‌ها حس کردند که با وجود امکانات مالی و فنی به تأخیر افتادن پروژه دلیلی نمی‌تواند داشته باشد لذا در ماه‌های اول سال ۱۳۶۱ موضوع را با فرماندار وقت کازرون در میان گذاشتند. در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱۲ فرماندار کازرون از اداره بهداشت محیط سؤال کرد که چرا مسأله آب دوان که ۷ سال است به تعویق افتاده به انجام نمی‌رسد. اداره بهداشت زیست طرح اولیه را خواست. تا صورت اسامی متقاضیان آب آشامیدنی را به کارشناس مسئول بهداشت محیط کازرون تحویل دهد. در همان زمان اداره مزبور تشخیص داد که پروژه باید در سه مرحله (سه فاز) انجام گیرد و بر همین اساس اعتبارات سازمان برنامه و بودجه منظور گردید. فاز اول شامل

حفر يك حلقه چاه عمیق در محل تنگ فُراق (در حاشیه کوه در بین راه دوان - کازرون)، نصب پمپ آب بر سر چاه و لوله کشی تا سر تنگ دوان. فاز دوم نصب پمپ در تنگ دوان و لوله کشی تا دو راهی محل بالا و پایین. فاز سوم لوله کشی از دو راهی تا مخزن بالای دوان در تُل شك و از آنجا به دوان و شبکه داخلی روستا.

در فاز دوم قرار بود که ۲۲۴۰ متر لوله از مخزن واقع در تنگ دوان به مخزن واقع در دوراهی دو محله از میان تاکستانها به صورت خط مستقیم کشیده شود. تعدادی از باغداران با توجه به کمبود زمین و خراب شدن باغهایشان از خود عکس العمل نشان داده و اعلام داشتند که اجازه عبور لوله از باغات خود را نمی دهند. در این زمان برای ادامه طرح قرار شد که از لوله از کنار جاده عبور کند. در تاریخ ۶۲/۷/۱۵ عده ای از اهالی روستای دوان طی طوماری عدم اجرای ادامه پروژه آبرسانی روستای فوق را از مقامات، مدجمله استانداری فارس، خواستار شدند و استانداری به فرمانداری شهرستان کازرون ابلاغ کرد که مسأله را حل نماید.

فرمانداری کازرون از اداره بهداشت محیط خواست که مسأله را به صورت کدخدامشی و از روی اصول فنی حل نماید. اداره بهداشت محیط، کارشناسی را از تهران به دوان فرستاد و طبق نظر کارشناس لوله از مسیر مستقیم برده شد. در تاریخ ۱۳۶۳/۶/۴ مدیر بهداشت محیط استان فارس دستورات زیر را صادر کرد: ۱ - احداث ستونهای بتونی داخل رودخانه (بین تیردقوها)؛ ۲ - نصب لوله های مسیر روی ستونهایی که ساخته می شود؛ ۳ - ترمیم پوشش روی لوله ها و خاکریزی کانالهای حفاری شده؛ ۴ - حفر کانال و جوشکاری لوله ها و نوارپیچی آنها و گذاردن در کانال و خاکریزی روی آنها در کلیه مسیرهای بلامعارض طبق نقشه و مشخصات فنی ابلاغ شده.

مسئول طرح دست بکار شد و مقداری از عملیات فاز دوم را انجام داد که در تاریخ ۶۳/۷/۲۷ کار متوقف گردید.

چون اداره بهداشت محیط در این مقطع نمی توانست لوله را از مسیر مستقیم تعیین شده بکشد، ناگزیر در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۱۹ آگهی تملك زمینهای مورد نیاز مسیر لوله را در روزنامه خبر اعلام نمود تا با توجه به اختیارات قانونی زمینهای مورد نظر را بدست آورد.

در این آگهی از ۱۶ نفر صاحب تاکستان و زمین و باغ نام برده شده که جمعاً می‌باید زمینی را به طول ۸۶۳ متر، به مساحت $۵۰۶/۴$ متر مربع که دارای ۴۶ اصله درخت است در اختیار بهداشت محیط استان قرار دهند.^۱ با وجودی که مدت قانونی آگهی فوق‌الذکر نیز به اتمام رسید مع الوصف مردم پاسخ مثبت ندادند و به همین دلیل طرح برای مدتی به حالت رکود در آمد.

با تعطیل شدن طرح برای مدتی، مردم دوان دست بکار شده و از مسئولین دولتی در این خصوص همکاری خواستند. با پیگیری دفتر امام جمعه کازرون، مدیر بهداشت محیط استان فارس به این نتیجه رسید که اگر عده‌ای دیگر از دوانی‌ها قصد همکاری دارند، چه اشکالی دارد که فاز دوم و سوم توسط آنها انجام گیرد. در همین رابطه در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۳ مدیر بهداشت محیط استان فارس از فرمانداری کازرون خواست که با عنایت به اینکه سالهای اخیر در خصوص پروژه آبرسانی دوان مکاتبات عدیده‌ای با آن فرمانداری بعمل آمده، کلیه سوابق موضوع را مجدداً بررسی و پروژه در حد بهره‌برداری کلی اتمام و تحویل دستگاه بهره‌برداری گردد.

پس از بررسی مجدد سوابق موضوع، مدیریت بهداشت محیط استان با همکاری شورای فنی استان مسیر کنار جاده را به عنوان مسیر جدید لوله انتخاب و نظریه خود را در تاریخ ۱۳۶۴/۵/۹ از طریق شورای اسلامی دوان به اهالی ابلاغ کرد.

در تاریخ ۱۳۶۴/۵/۲۶ با حضور فرماندار کازرون، اعضای شورای اسلامی محل مسیر منتخب شورای فنی را برای تهیه طرح جدید و اقدامات لوله‌گذاری صورتجلسه کردند. بنابر اظهار نظر اداره بهداشت محیط کازرون، همکاری جدید شدیدتر شد و با کمک‌های مالی و نیروی انسانی به صورت خودیاری فعالانه ادامه پیدا کرد.

با اتمام پروژه در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۲۳ فرمانداری کازرون موارد زیر را تعیین و به شورای اسلامی دوان ابلاغ نمود: ۱- حق انشعاب هر خانواده ۵۰۰۰۰ ریال؛ ۲- میزان آب بها با توجه به هزینه‌ها هر متر مکعب ۶۰ ریال؛ ۳- حقوق هر نگهبان ماهانه ۴۵۰۰۰ ریال؛ ۴- میزان آب بها از سی متر مکعب به بالا هر متر مکعبی ۱۰۰ ریال؛ ۵- حداقل پرداخت آب بها برای هر خانواده هر

(۱) روزنامه خبر، ۱۳۶۳: ۷، در قسمت ملاحظات آگهی، از ۳۰۰ مترمربع از يك قطعه زمین بایر و لم یزرع مجهول‌المالك واقع در بین باغها نام برده شده است.

ماه ۱۰۰۰ ریال؛ ۶- در صورتی که در يك واحد مسکونی بیش از يك خانوار سکونت داشته باشد هر خانواده باید حق انشعاب جداگانه پرداخت نماید؛ ۷- هر خانواده حق دارد حداکثر ۳ درخت غرس نماید و در صورت غرس بیش از سه درخت شورا موظف است بدون فوت وقت با همکاری ژاندارمری نسبت به بیرون آوردن آن اقدام نماید؛ ۸- نصب آب به داخل منازل مشروط به حفر چاه فاضلاب در منزل است؛ ۹- کلیه هزینه کشیدن انشعاب از شبکه اصلی تا منزل با متقاضی است؛ ۱۰- هر مشترک ظرف حداکثر ۲۰ روز آب بها را پردازد؛ و ۱۱- مبلغ حق انشعاب ذکر شده در بند يك تا آخر دی ماه اعتبار دارد.

طرح آبرسانی روستای دوان در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۳ به شورای اسلامی روستا واگذار و رسماً زیر نظر شورای فوق‌الذکر اداره شد. بر اساس گزارش کارکرد شورای اسلامی دوان در تاریخ ۱۳۶۵/۳/۲۳، تعمیر و تکمیل سه مخزن آب و احداث يك مخزن کامل به ظرفیت ۲۵۰ متر مکعب به ارزش ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، احداث طرح آبرسانی از مخزن دوم تا مخزن چهارم به طول سه کیلومتر همراه با لوله ۶ اینچ جمعاً به ارزش ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال، احداث شبکه داخلی روستا از مخزن چهارم به صورت لوله‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۶ اینچ به طول ده هزار متر همراه با متعلقات ایمنی به ارزش ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال و تعداد ۳۷۵ کنتور آب و توزیع آن به اهالی به ارزش ۷۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است.

آب آشامیدنی در يك فرآیند بحث‌انگیز و جریانات برخورد آمیز به دوان آورده شد. شاید اگر تضاد و بر خورد نبود آب به دوان کشیده نمی‌شد. اما نباید فراموش کرد که برخوردهای درون گروهی در جوامع در بسیاری مواقع باعث پیشرفت می‌گردد. در رابطه با مسأله آب دوان، مخالفت و دو دستگی و جناح‌بندی باعث شد که اولاً آب با خودیاری کشیده شود، ثانیاً باغهای انگور مردم که حاصل چندین سال تلاش آنها بود خراب نشود، و ثالثاً پروژه با سرعت بیشتری به اتمام برسد.^۱

(۱) کلیه جریانات پروژه آبرسانی دوان بر اساس اسناد موجود در ادارات ذیربط است.

جاده‌های دوان

تا قبل از سال ۱۳۲۵ هجری شمسی، تنها مسیر ارتباطی دوانی‌ها با شهر کازرون جاده مال رویی بود که از دوان به چشمه بریای دومن (پایین) و از آنجا از میان باغهای انگور لیرک از کنار آب قرچه به کازرون می‌رسید. در این سال یکی از دوانی‌های کامیوندار برای اولین بار با کامیون خود از کازرون به بلکتک و از بلکتک به تنگ دوان و از تنگ دوان مستقیم بدون برداشتن سنگی در مسیر برای اولین بار یک اتومبیل را به دوان برد. مسیری را که اتومبیل برای اولین بار از آن عبور داده بودند در واقع حتی مسیر مال رو هم نبود. سپس کامیوندار به این فکر افتاد که مسیر مال رو دوان کازرون را جهت عبور کامیون خود و ماشینهایی که در آینده به دوان می‌آیند مسطح نماید. لذا با اجیر نمودن ۳۰ کارگر به مدت یک ماه مسیر دوان، بریای پایین، آب قرچه، کازرون را مسطح نمود و کامیون خود را چندین بار از همین مسیر به دوان بُرد. بعد از ایشان چند نفری با کامیون خود از این مسیر به دوان رفتند. اما کلاً مسیر مشکلی بود و تنها ماشینهای قوی می‌توانستند عبور کنند.

ورود چند اتومبیل به دوان، مردم دوان را بر این داشت که می‌توان کاری کرد که اتومبیل‌های بیشتری به طرز راحت‌تری به دوان بیایند. لذا، در سال ۱۳۳۰ اهالی دوان تصمیم گرفتند تا از دوان به تنگ دوان و از تنگ به موازات جاده شاپور - کازرون، یک جاده خاکی به کازرون بکشند. با خودیاری و تعاون مردم در مدتی بسیار کم یک جاده خاکی به دوان کشیده شد که مسیری سخت و سنگلاخی داشت. جاده مزبور سالیان دراز به همان شکل باقی ماند و مرتباً از طریق جمع‌آوری کمکهای نقدی و عملی مردم دوان و دوانی‌های مهاجر، تعمیر و نگهداری می‌شد.

کدخدای دوان که نماینده بخش حومه در انجمن شهرستان کازرون بود در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۶ از انجمن شهرستان کازرون خواست تا اداره راه و ترابری کازرون به وسیله‌گریدر نسبت به تسطیح و مرمت راه دوان - کازرون اقدام نماید. تقاضای ایشان مورد تأیید واقع شد، اما اقدامی انجام نگرفت. سپس ایشان از طریق انجمن شهرستان با فرمانداری کازرون در خصوص جاده دوان مکاتبه کرد و فرمانداری مسأله را به اداره تعاون و امور روستاها حواله داد. از آنجایی که اداره تعاون و امور روستاها فاقد امکانات از نظر پرسنل و تجهیزات بود، لذا مسأله همچنان

لاینحل باقی مانده یک بار دیگر در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۹ مسأله جاده دوان در انجمن شهرستان کازرون مطرح گردید و کدخدا بیان داشت که اداره راه و ترابری و اداره تعاون و امور روستاها اهمیتی به تقاضای مردم دوان نمی‌دهند. انجمن شهرستان اظهارات کدخدای دوان را به اداره تعاون و امور روستاهای کازرون منعکس نمود تا به نحو مقتضی اقدام شود. اما باز هم ادارات توجیهی به مسأله نمودند.

کشیدن جاده اسفالتی برای دوان همچون مسأله آب بحث‌انگیز و مشکل ساز بوده است. اما از طرفی دیگر همین اختلاف عقیده باعث پیشرفت نسبی روستای دوان در زمینه جاده‌سازی گردیده است. دو نظرگاه در مورد اسفالت نمودن جاده دوان بوجود آمد. نظر اول معتقد بود که جاده از دوان به تنگ و سپس از تنگ به موازات جاده شاپور - کازرون به کازرون کشیده شود تا هم حاده از میان زمینهای زراعی دوانی‌ها کشیده شود و هم ارتباط با کازرون به عنوان مرکز خدمات باشد. نظر دوم بر این باور بود که جاده دوان به تنگ باید به طور مستقیم ادامه پیدا کند تا به جاده اصلی شاپور - کازرون متصل شود لذا هم افرادی که از شیراز به دوان می‌آیند مجبور نباشند که حتماً به کازرون بروند و سپس به دوان بیایند و هم افرادی که از دوان به کازرون می‌خواهند بروند، پس از رسیدن به جاده شاپور - کازرون بتوانند راهی کازرون بشوند.

ابتدا طرفداران نظر اول شروع به جاده‌سازی و اسفالت جاده کردند. این جاده به طول ۹ کیلومتر و عرض ۹ متر است که در مسیر خود ۵ پل سیمانی محکم دارد. کلیه مخارج جاده اول از محل کمک‌های مالی اهالی دوان و دوانیان مهاجر تأمین گردیده است. بر اساس برآورد انجام شده، هزینه ساخت جاده اول ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است.

پس از مدتی توقف در ادامه جاده سازی دوان، بالاخره طرفداران نظرگاه دوم وارد عمل شده، از راه اصلی کازرون - شیراز به تنگ دوان به طول ۷ کیلومتر و از تنگ دوان به دو راهی دو محله به طول ۲ کیلومتر و سپس از دوراهی دو شاخه هر کدام یک کیلومتر به محل بالا و پایین جمعاً ۱۱ کیلومتر است، جاده احداث نمودند. عرض این جاده هم ۹ متر است که در طول مسیر ۲ پل سیمانی محکم احداث شده است. کل مخارج این پروژه بر اساس برآورد شورای اسلامی دوان نیز ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال شده که کلیه آن از کمکهای مردمی اهالی دوان و دوانیان مهاجر

تأمین گردید. در این پروژه جمعاً ۱۴۸ نفر در کمکهای نقدی شرکت نمودند. این پروژه مدت چهار ماه بیشتر طول نکشید.

پس از اتمام جاده، آن را به شورای اسلامی ده تحویل دادند. جاده دارای يك حساب بانکی است و مبالغی در آن است که جهت تعمیر و نگهداری جاده، فعلاً در دست شورای اسلامی ده است.

يك بار دیگر در دوان ثابت شد که اختلاف عقیده و بر خورد آراء و نظریات در امر توسعه باعث توسعه سریعتر و بیشتر می گردد. وجود اختلاف و دو دستگی در بین دوانی ها در ارتباط با جاده باعث شد که اولاً روستا دارای دو جاده درجه يك بشود و ثانیاً پروژه سریعتر به اتمام برسد. در هر صورت در دوان و بخصوص در رابطه با طرح های عمرانی، مسأله برخورد، يك عامل سازنده بوده و اگر چه در مقاطعی خرابی بیار آورده، اما کلاً در جهت سازندگی مؤثر واقع شده است. با تشکیل گروهها و جناحها، همیشه در تسریع طرح ها پافشاری گردیده است و این خود يك عامل مؤثر در توسعه است که در اثر نوعی رقابت ایجاد می شود.

پُست و مخابرات در دوان

هرگاه روستایی تعداد زیادی مهاجر در اقصی نقاط کشور و حتی خارج از کشور هم داشته باشد، لذا ضرورتاً مسأله ارتباط از طریق نامه پیش می آید. از آنجایی که تعداد مهاجران دوانی زیاد است و تقریباً همگی ارتباطشان را با روستا قطع نکرده اند، در نتیجه ارتباط مراسله ای برقرار کردن بین مهاجران دوانی و دوانی های ساکن در دوان امری حیاتی شد. تا قبل از آوردن نمایندگی پست به دوان، مهاجران از طریق افرادی که در رفت و آمد بودند به دوان نامه ارسال می داشتند. در سال ۱۳۴۳ شمسی در اثر افزایش حجم مراسلات به دوان، دوانی ها تقاضای نمایندگی پستی نمودند، لذا در خرداد ماه همان سال نمایندگی پست (آژانس پستی) به دوان داده شد.

پس از شش ماه، در اثر افزایش حجم مراسلات دوان، برای اولین بار يك «دفتر رسمی پست» از نوع درجه دوم در دوان تأسیس گردید. تا آن زمان سابقه نداشت که يك روستا دارای دفتر پست باشد.

ارتباط بیش از حد با خارج باعث گردید تا دوانی‌ها برای يك تلفن بین شهری تقاضا بدهند. در سال ۱۳۴۶ تقاضای خود را تسلیم اداره تلفن راه دور کازرون نمودند و با پیگیری اهالی در همان سال موافقت شد تا يك خط تلفنی به روستای دوان داده شود دیگر بار برای اولین مرتبه در منطقه کازرون دوان صاحب خط تلفن راه دور شد. تلفن مزبور تا سال ۱۳۴۸ دایر بود، اما از این سال به بعد در اثر عدم مراقبت از تیرهای چوبی و اختلافاتی که با عشایر منطقه بوجود آمده بود، پایه‌های سیم تلفن شکسته شد و دوان برای مدتی بدون تلفن شد. در این دوره تلگراف هم توسط همین تلفن مغناطیسی مخابره می‌شد.

قطع تلفن دوان بر سرعت ارتباط دوانی‌ها با خارج از روستا اثر گذاشت. لذا در سال ۱۳۵۳ دوانی‌ها مجدداً برای کشیدن تلفن به دوان تلاش نمودند. این بار تلفنخانه به صورت يك مؤسسه با تشکیلات و پرسنل جدای از دفتر پست بوجود آمد، اما در همان محل دفتر پست. از این تاریخ به بعد محل پستخانه به صورت واگذاری به ملکیت اداره پست در آمد.

از زمان تأسیس تلفن خودکار، حجم مراسلات به دوان کم شد و بیشتر مردم از طریق تلفن تماس ایجاد می‌کردند. در حال حاضر نامه‌ها به صورت ۵۰ درصد داخلی و ۵۰ درصد خارجی است. تلفن‌های داخلی از لحاظ تعداد بیشتر از تلفن‌های خارجی است، اما از نظر درآمد تلفن‌های خارجی بیشتر است.

بهداری دوان

آنچنان که در زمینه‌های مختلف مشاهده شده، اهالی دوان تحت تأثیر عوامل گوناگون سعی نموده‌اند که کمبودهای عمرانی و خدماتی خود را جبران نمایند. در زمینه درمانی نیز فعالیتهای مشخصی شده که بررسی آن نشانگر میزان اهمیتی است که مردم این روستا برای درمان قائل هستند.

در سی‌ام تیر ماه ۱۳۴۵ اولین بهداری دوان در نزدیک بقعه شاه سلیمان تأسیس گردید. زمین این بهداری متعلق به امام زاده شاه سلیمان بود و با کمکهای مالی يك فرد خیر و کمکهای اهالی دوان ساخته شد. بهداری مزبور دارای ۲ اتاق، يك جعبه کمکهای اولیه و يك بهورز غیر بومی

ساکن در دوان بود. خدماتی که توسط این بهداری انجام می‌گرفت بسیار اولیه بود و کفاف احتیاجات درمانی اهالی را نمی‌داد. لذا در سال ۱۳۵۰ بنا بر تقاضای اهالی دوان و تشخیص اداره بهداری کازرون بهداری دوان به محلی جدید منتقل و محل اولیه بعدها به مدرسه راهنمایی دخترانه تبدیل گردید.

در سال ۱۳۵۰ بهداری جدید دوان در زمینی که به طور رایگان در اختیار اداره بهداری کازرون گذاشته شد، تأسیس گردید. کلیه مخارج از طرف اداره بهداری کازرون پرداخت گردید و با خودیاری مردم در زمانی کوتاه ساختمان بهداری اتمام و فعالیتش آغاز شد. دامنه فعالیت‌های بهداری جدید گسترش یافت، اما باز در مجموع کفاف نیازهای بهداشتی و درمانی اهالی دوان را نمی‌کرد. از این رو در سال ۱۳۵۷ بهداری مزبور منحل و «خانه بهداشت» شماره ۱۴ در روستای دوان تأسیس گردید که دارای یک بهورز است.

خانه بهداشت دوان دارای وظایفی به شرح زیر است:

- ۱ - آموزش بهداشت در سطح روستا؛ ۲ - آمارگیری کلی؛ ۳ - لام‌گیری در رابطه با مالاریا؛
 - ۴ - بهسازی روستا؛ ۵ - تحت پوشش قراردادن زنان باردار؛ ۶ - تحت پوشش قرار دادن کودکان و نوزادان؛ ۷ - تنظیم خانواده؛ ۸ - تزریقات؛ ۹ - پانسمان؛ ۱۰ - زایمان؛ ۱۱ - واکسیناسیون زنان باردار و نوزادان و کودکان؛ و ۱۲ - جمع‌آوری آمار حیاتی.
- یکی از کارهای مهمی که اخیراً مرکز بهداشت دوان انجام می‌دهد جمع‌آوری آمار حیاتی است. در این آمار متولدین روزانه را به تفکیک جنس و محل و نوع تولد ثبت می‌کنند و ضمناً آمار روزانه متوفیات بر اساس نام و نام خانوادگی، سن، جنس، نام پدر و علت فوت ثبت می‌گردد. آمار ماهانه مرگ و میر کودکان و نوزادان هم گردآوری می‌گردد. برای نمونه جدول ۱-۱۲ آمار فوت شدگان روستای دوان را در ۵ ماهه اول سال ۱۳۶۶ نشان می‌دهد. جدول ۲-۱۲ آمار روزانه متولدین دوان را در چهارماهه اول سال ۱۳۶۶ عرضه می‌کند. جدول ۳-۱۲ آمار مرگ و میر و تولد سال ۱۳۶۵ را به تفکیک جنس و سن به طور ماهانه نشان می‌دهد.

جدول ۱-۱۲: آمار مرگ و میر بزرگسالان دوان در ۵ ماهه اول ۱۳۶۶

ردیف	جنس	سن به سال	تاریخ فوت	علت فوت
۱	زن	۹۴	۱۳۶۶/۱/۱	کولت (بیماری قلبی)
۲	زن	۹۱	۱۳۶۶/۳/۳	مسمومیت
۳	مرد	۶۱	۱۳۶۶/۳/۶	تصادف
۴	مرد	۴۰	۱۳۶۶/۳/۱۶	تصادف
۵	مرد	۱۸	۱۳۶۶/۴/۵	سکته مغزی
۶	مرد	۷۵	۱۳۶۶/۴/۱۹	سکته قلبی
۷	مرد	۲۲	۱۳۶۶/۵/۵	شهادت

منبع: دفتر روزانه بهداشتی دوان

جدول ۲-۱۲: متولدین ۴ ماهه اول سال ۱۳۶۶ در دوان

ردیف	جنس	تاریخ تولد	نوع و محل تولد
۱	دختر	۶۶/۱/۲۴	طبیعی در منزل
۲	دختر	۶۶/۲/۱۴	طبیعی در زایشگاه کازرون
۳	پسر	۶۶/۳/۸	طبیعی در زایشگاه کازرون
۴	پسر	۶۶/۴/۲۴	طبیعی در خانه بهداشت دوان
۵	پسر	۶۶/۴/۲۹	سزارین در زایشگاه کازرون
۶	دختر	۶۶/۴/۳۰	طبیعی در زایشگاه کازرون

منبع: دفتر روزانه بهداشتی دوان.

بنا بر اظهار نظر مسئول بهداشتی و بر طبق بررسی دفتر روزانه بهداشتی دوان ملاحظه شده که بیماریهای روده‌ای مثل اسهال، اسهال خونی، استفراغ شدید، آسکاریس، اکسیور، ژیا ر دیا و کرم کدو به مقدار زیاد شایع است سردردهای شدید در میان افراد شایع است. بالاخره باید گفت که میزان سوء تغذیه در میان دوانی‌ها کمتر از روستاهای متوسط الحال استان فارس است. به طور کلی تعداد مراجعه کنندگان به بهداشتی دوان قابل ملاحظه است. این امر بخوبی از جدول ۴-۱۲ نمایان است. در این جدول آمار ده سال فعالیت بهداشتی دوان به تفکیک ماههای سال ارائه شده که از روی همین جدول می‌توان فهمید که نیاز روستای دوان به داشتن یک بیمارستان تا چه حد است. بهداشتی دوان در هر سال به طور متوسط ۱۳۸۷ نفر بیمار مراجعه کننده داشته و در طول ده سال خدمت خود بیش از ۱۳۰۰۰ نفر از خدمات ساده این بهداشتی بهره برده‌اند.

جدول ۳-۱۲: مرگ و میر و تولد نوزادان و کودکان دوان در سال ۱۳۶۵

فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند		
۱	-	-	۲	۱	۱	-	۱	۱	۱	۱	۱	دختر	تولد
-	+	۲	۱	۲	۲	۱	-	۱	۳	۵	۱	پسر	
-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	زیر ۱۰	مرگ
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱ تا ۱۰	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱ تا ۲۰	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۱ تا ۳۰	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۱ تا ۴۰	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴۱ تا ۵۰	
-	-	-	۱	۱	-	۳	-	-	-	۱	-	میر	

منبع: دفتر روزانه بهداشتی دوان.

برق دوان

برق یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی است. چون دوانی‌ها تصمیم گرفته‌اند که از همه امکانات جهت پیشبرد توسعه روستای خود استفاده نمایند، لذا از سالها پیش در اندیشه کشیدن